

«معنویت سیاسی و منبع الهام»؛

گفتمان دفاع مقدس از منظر امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)^۱

امیرحسین تمنایی^۲، حسین ساری^۳، محمدصادق جلالی راد^۴

چکیده

جنگ تحمیلی به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران، از مناظر مختلف موضوعی قابل پژوهش و مطالعه است. در این مقاله سؤال پیش رو، نظام گفتمانی رهبران انقلاب اسلامی ایران در موضوع دفاع مقدس است. در شرایطی که روایت‌های متنوع و بعضاً متعارضی از جنگ تحمیلی در رسانه‌های مختلف به مخاطبان گوناگون از جمله مخاطبان جوان که جنگ را تجربه نکردند، عرضه می‌شود، شناسایی نظام گفتمانی امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اهمیت می‌یابد. این نظام‌های گفتمانی می‌تواند راهنمایی برای چگونگی فهم جنگ تحمیلی و ابعاد مختلف آن باشد. برای رسیدن به این مقصود، بیانات امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای اعم از سخنرانی و پیام‌های شفاهی و مکتوب استخراج و پس از احصا مضامین اولیه، دال‌های اصلی شناسایی و نحوه مفصل‌بندی آن تشریح شد. در گفتمان امام خمینی (ره)، دال‌های «رویارویی حق علیه باطل»، «ایستادگی در برابر استکبار»، «پرهیز از صلح خائنانه و تحمیلی»، «پیشرفت مادی و معنوی» و «شهادت سعادت ابدی» حول دال مرکزی «معنویت سیاسی» مفصل‌بندی شده است و در گفتمان رهبر معظم انقلاب نیز دال‌های «جنگ‌افروزی برای نابودی انقلاب»، «شکوفایی استعدادها و رشد معنوی»، «ایران در برابر دنیا»، «ایمان و ایثار»، «قدرت بازدارنده» و «روایت زیبایی‌ها» حول دال مرکزی «منبع الهام‌بخش» مفصل‌بندی شده است.

واژگان کلیدی:

دفاع مقدس، تحلیل گفتمان، معنویت سیاسی، منبع الهام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش «تحلیل گفتمان تحریف دفاع مقدس در مستندهای شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی» است که به

عنوان طرح جایگزین خدمت سربازی در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس تهیه شده است (WWW.DSRC.IR).

۲. دانش‌آموخته دکتری مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ah.tamannaei@gmail.com

۳. استادیار و مدعو دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی؛ دانشکده امنیت و مدیریت، ایران.

Hossein.sari@yahoo.com

۴. دانش‌آموخته دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

mohammad_jalalirad@yahoo.com

اسلامی، ایران.

مقدمه

دفاع مقدس برای جمهوری اسلامی ایران تجربیات ارزشمند و غنی را به همراه داشت. از این رو این دستاورد به عنوان جدی ترین موفقیت گام اول انقلاب اسلامی تلقی می شود که تجربیات آن می تواند راهنما و سرمشق بسیاری از مشکلات در گام دوم انقلاب اسلامی باشد. به دلیل چنین ضرورت و ارزش استراتژیک است که دشمنان، رقبا و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل دستاورد دفاع مقدس، از سلاح تحریف استفاده می کنند. موضوعی که رهبری معظم انقلاب نیز در آئین گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس به آن اشاره کرده و فرمودند: «هر چه از زمان دفاع مقدس دورتر می شویم باید به معرفت آن نزدیک تر شویم چراکه دست های تحریف گر در کمین هستند^۱». روایت جنگ تحمیلی موضوع شبکه های فارسی زبان قرار گرفته است. اقدام آن ها برای ساخت مستند از جنگ ۸ ساله، در واقع تدارک یک نزاع گفتمانی، برای تشکیک در روایت ها و معانی تثبیت شده از جنگ، در حافظه جمعی ایرانیان است. آن ها به دنبال ایجاد معانی جدید برای دال های تثبیت شده و شناوری هستند که ذیل گفتمان دفاع مقدس مفصل بندی شدند. گسترش رسانه های فارسی زبان، تغییر سبب مصرف رسانه ای مخاطبان ایرانی، بهره گیری از امکانات فنی و فن های عملیات روانی، دسترسی به آرشیوهای پخش نشده، تغییر نسلی (جوانان جنگ ندیده) در کنار تراکم اطلاعات و به تعبیر شهید آوینی «انفجار اطلاعات»، از جمله عواملی است که توجه به روایت جنگ تحمیلی را ضروری می نماید. بر این اساس در کنار این «گفتمان تحریف»، ضرورت دارد تا بتوانیم گفتمان رسمی را درباره دفاع مقدس شناسایی و استخراج کنیم. روایت امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا که آگاهی کامل و اشراف اطلاعاتی جامع درباره ابعاد مختلف جنگ داشتند و نیز بررسی دیدگاه های مقام معظم رهبری به عنوان رهبر پساجنگ، می تواند منبعی مهم برای ترسیم یک نظام گفتمانی رسمی باشد. این گفتمان رسمی در برابر گفتمان رقیب، یارای مقابله داشته باشد. بازسازی «گفتمان رسمی» با استناد به روایت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب از دفاع مقدس می تواند عرصه نزاع گفتمانی را از خطر تحریف دور کند. بنابراین سؤال اصلی این مقاله عبارت است از

۱. ارتباط تصویری با مراسم تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس؛ ۳۱ شهریور ۱۳۹۹.

گفتمان برآمده از بیانات امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره دفاع مقدس چیست؟ دال‌های پیرامونی و دال مرکزی این دو گفتمان کدام است؟ چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی در این دو گفتمان وجود دارد؟

ادبیات پژوهش

در زبان‌شناسی، مطالعه زبان در سطح بالاتر از جمله را گفتمان یا کلام می‌گویند (Fasold, 1990: 65). فرکلاف^۱ (۱۹۹۲: ۲۸) گفتمان را چیزی بیشتر از کاربرد زبان می‌داند، از منظر او کاربرد زبان خواه به شکل گفتاری خواه نوشتاری عملی اجتماعی تلقی می‌شود. در سال‌های اخیر، رویکرد جدیدی در مطالعات کلامی پدید آمد که آن را «تحلیل گفتمان انتقادی» می‌نامند تحلیل گفتمان انتقادی، ریشه در آراء میشل فوکو دارد. این نوع تحلیل، نحوه استفاده غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی صورت می‌گیرد و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌کند (خنوفر، ۱۳۹۶: ۱۳۶). تحلیل گفتمان انتقادی، به دو معنا «انتقادی» است:

در معنای اول، مبتنی بر ایده‌های مکتب فرانکفورت، به‌ویژه کارهای هابرماس است و در معنای دوم، بر سنت مشترکی که «زبان‌شناسی انتقادی» خوانده می‌شود تکیه دارد. بر اساس نظر هابرماس، علم انتقادی باید خود-بازاندیش باشد؛ یعنی باید بر منافع و علایقی تأمل کند که خود، بر آن متکی است. همچنین در این علم لازم است که بسترهای تاریخی تعامل نیز در نظر گرفته شود. نسخه انتقادی گفتمان، به‌خصوص متأثر از فوکو در قالب «تبارشناسی» و «باستان‌شناسی» دانش و متون است که به تحلیل گفتمان فوکویی مرسوم است (محمدپور، ۱۳۹۲). دیوید هوارث، تفاوت میان تبارشناسی و دیرینه‌شناسی را از جنبه تحلیلی این‌گونه بیان می‌کند که دیرینه‌شناسی، قواعدی را ترسیم می‌کند که عناصر (سوژه‌ها، ابژه‌ها، مفاهیم و استراتژی‌ها) یک گفتمان خاص را در دوره‌ای مشخص، تعیین می‌کند. حال آنکه تبارشناسی، شکل‌گیری آن‌ها را با شرح کردارهای تاریخی موجد آن‌ها تحلیل می‌کند (هوارث، ۱۳۹۲: ۱۰).

گفتمان در نزد فوکو عبارتست از تفاوت میان آنچه برحسب یک سری قواعد دستوری و منطقی می‌توان گفت و آنچه گفته می‌شود. گفتمان، همان چیزی است که در میانه قیدوبندهای زبان و امکاناتی که زبان فراهم می‌آورد؛ رخ می‌دهد. از نظر فوکو، گفتمان از کارکردش جدا نیست و یکی از مهم‌ترین کارکردهای گفتمان را نیز پاسداشت قدرت می‌داند. گفتمان، برای فوکو بخشی از ساختار و روابط قدرت، هسته‌های قدرت و کنش‌های قدرت است که به زندگی مردم شکل می‌دهد (ازکیا، ۱۳۹۲: ۲۱۰). حال نیز معتقد است، گفتمان‌ها، روش‌های فکر کردن، صحبت کردن یا بازنمودن موضوع یا مبحثی خاص هستند. آن‌ها دانش معناداری درباره آن موضوع پدید می‌آورند. این دانش بر کردارهای اجتماعی اثر می‌گذارد و از این رو پیامدها و عواقب واقعی دارد. گفتمان‌ها را نمی‌توان به منافع طبقاتی تقلیل داد ولی همیشه در نسبت با قدرت عمل می‌کنند؛ آن‌ها بخشی از شیوه اعمال قدرت و مبارزه بر سر اعمال قدرت‌اند (هال، ۱۳۸۶: ۶۹).

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی به ساحت تحلیل گفتمان است که زبان را به مثابه یک کنش اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کند. در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان، نه تنها نتیجه صرف کنش اجتماعی نیست، بلکه عامل و نیروی مهمی در شکل‌دهی دوباره به کنش‌های اجتماعی در دو وجه مثبت و منفی یا سلبی و ایجابی است (رضائی‌پناه، شوکتی مقرب، ۱۳۹۵: ۳۵). تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، رویکرد خود را انتقادی می‌نامند زیرا قائل به این موضوع هستند که زبان، عامل تولید و حفظ نابرابری‌های اجتماعی بوده و وظیفه آن‌ها، کشف این نابرابری‌ها و رفع آن‌ها از طریق افزایش هشیاری مردم است (سلطانی، ۱۳۹۴: ۳۲). این رویکرد نظری و روش‌شناختی به شیوه‌های بیان و بازنمایی ایدئولوژی و روابط قدرت با به‌کارگیری ابزار زبان در معنایی عام و گفتمان در معنایی خاص، می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی، همچنین واکاوی بافت و بستر اجتماعی را نیز شامل می‌شود که فرکلاف با طرح چهارچوب سه‌گانه «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین»، آغازگر آن محسوب می‌شود (رضائی‌پناه، شوکتی مقرب، ۱۳۹۵: ۳۶). بنابراین آنچه مدنظر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان است، به تصویر کشیدن در هم تنیدگی کنش‌های گفتمانی-زبانی با ساخت‌های سیاسی-اجتماعی در سطح گسترده‌تر قدرت و حاکمیت است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

لاکلا و موفه از جمله نظریه‌پردازانی هستند که سنت‌های نظری متفاوتی را برای ارائه نظریه‌ای در باب نقش گفتمان در علوم اجتماعی نوین، به هم می‌آمیزند (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۳۳). از نظر آن‌ها خلق معنا به مثابه یک فرآیند اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. از منظر لاکلا و موفه، تمام دال‌ها، ابژه‌ها، اشیاء و کنش‌ها معنای خود را در ارجاع به یک «معنای فراگفتمانی» به دست نمی‌آورند؛ بلکه از نظام تفاوت‌ها و در چهارچوب یک گفتمان مشخص، کسب معنا می‌کنند. آن‌ها در رویکردی پسا سوسوری با رد «دال متعالی»، معنای دال‌ها را ثابت ندانسته و سخن از «دال شناور» می‌رانند که مدلول و معنای موقتی خود را از متن تعارضات اجتماعی می‌یابد و به علل مختلفی، همواره در معرض تغییر هستند (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۳۴). ما مداوماً از طریق قرار دادن نشانه‌ها در شبکه روابط نشانه‌های دیگر، تلاش می‌کنیم تا معنایشان را تثبیت کنیم (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۵). اما این روند نهایتاً غیرممکن است، چون تثبیت معنای نشانه‌ها محتمل و مشروط است. این کار اگرچه امکان‌پذیر است ولی ضروری نیست (Jorgensen & Philips, 2002: 25). اما چگونه می‌شود که معنای بعضی از نشانه‌ها گاه آن‌چنان رایج و مرسوم می‌شود که از نظرمان کاملاً طبیعی جلوه می‌کند؟ در نظریه گفتمان این کار به واسطه مفصل‌بندی صورت می‌گیرد. درواقع، ایده کلی نظریه لاکلا و موفه این است که هویت‌ها و معانی به‌طورکلی پدیده‌های اجتماعی، هیچ‌گاه تمام و کامل نیستند و صورت نهایی ندارند. چنین امری، راه را برای تخاصم و تضاد دائمی بر سر معنای پدیده‌ها باز می‌گذارد و به این ترتیب هر معنابخشی، پیامدهای اجتماعی خاصی به دنبال خواهد داشت (نوذری، ۱۳۹۴: ۳۵). نهایتاً اینکه مدل لاکلا و موفه، با اتخاذ دیدگاه‌های پساساختارگرایانه، که امکان جدا شدن دال از مدلول را فراهم می‌کند، جا را برای ابهام و چندگانگی معنایی، باز می‌گذارد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۵). در این نگاه، گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه‌ی همین فرایند معنابخشی بر ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. تغییر در گفتمان‌ها موجب تغییر در جهان اجتماعی است. گفتمان لاکلا و موفه، نظریه‌ی گفتمان فوکو است که در آن به جای حکم از نشانه‌ها سخن گفته شده است (کسرای، ۱۳۸۹: ۳۴۱). در اینجا تمام قلمرو اجتماعی گفتمانی است و اساس تمایز زیربنا و روبنا فرومی‌ریزد. مهم‌ترین کارکرد نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه را باید در حوزه‌ی جامعه و سیاست به‌ویژه در مفهوم‌پردازی قدرت دید (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹). در نظریه‌ی لاکلا و موفه عدم قطعیت

معنا همان چیزی است که سیاست را هم ممکن و هم ضروری می‌سازد. سیاست عبارت است از نزاع معناهایی که در طرح‌های سیاسی قبلی نسبتاً ثابت بوده‌اند، و به‌کارگیری مجددشان در زندانی معانی جدید، تلاش برای ترغیب دیگران برای پذیرش اعتبارشان و تثبیت کردن آن‌ها در معانی نسبتاً قطعی که اینها در آن به بخشی از «دستور زبان» زندگی روزمره تبدیل می‌شوند. به‌علاوه اگرچه گفتمان در هریک از موارد بالا به‌طور قطعی نمی‌تواند تثبیت شود، اما موفقیتش به پذیرش اعتبار این معناها بستگی دارد. از نظر آن‌ها قدرت عبارت است از قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌کند و ترسیم مجدد مرزها، محدوده، وظایف و توانایی‌های دولت را می‌توان تنها نمونه‌ای از سیاست به این مفهوم تلقی کرد (Laclau & Mouffe, 1985). به همین دلیل است که روایت جنگ تحمیلی موضوع شبکه‌های فارسی‌زبان قرار گرفته است. اقدام آن‌ها برای ساخت مستند از جنگ ۸ ساله، درواقع تدارک یک نزاع گفتمانی، برای تشکیک در روایت‌ها و معانی تثبیت‌شده از جنگ، در حافظه جمعی ایرانیان است. آن‌ها به دنبال ایجاد معانی جدید برای دال‌های تثبیت‌شده و شناوری هستند که ذیل گفتمان دفاع مقدس مفصل‌بندی شدند. براین اساس مفصل‌بندی گفتمانی امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌تواند در این نزاع گفتمانی، کارآمد باشد.

پیشینه پژوهش

مجتبی صباحی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» به دنبال پاسخ به این پرسش است که مبانی فکری اندیشه دفاعی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای ایشان در سه حوزه راهبردی دشمن‌شناسی، آمادگی رزمی و تهدید در برابر تهدید است که این مبانی از آیات قرآن، سیره معصومین (ع) و راه اندیشه امام خمینی (ره) استخراج شده است.

رضا التیامی‌نیا (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل گفتمانی و جامعه‌شناختی دفاع مقدس و تأثیر آن در تقویت همبستگی، وحدت و قدرت ملی» درصدد تبیین نقش و کارکردهای سیاسی و اجتماعی دفاع مقدس در جامعه ایران است. سؤال اصلی پژوهش حاضر پرداختن به این سؤال است که کارکردهای سیاسی و اجتماعی دفاع مقدس چیست. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که

دفاع مقدس ضمن تقویت ابعاد جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی عناصر ایرانی هویت ملی، فرصت بی نظیری نیز برای احیا، بازسازی و تقویت عناصر مذهبی هویت جامعه ایران فراهم آورد. دفاع مقدس و سرمایه عاشورایی نهضت امام حسین (ع)، و نمادهای آن چون عدالت طلبی، آزادیخواهی، شهادت طلبی، مبارزه، قیام و استقامت در راه خدا و ازجان گذشتگی و ایثار نقش اساسی در بسیج مردم علیه تهدیدات داخلی و خارجی، احیای هویت ملی و مذهبی و بازتولید قدرت و امنیت ملی در ایران ایفا نموده است.

مهلا ذوالفقاری کیان و لیلا ثمنی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی در شاخص های زن منتظر» به جایگاه و وظایف زنان مسلمان ایرانی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی پرداخته اند. یافته ها حاکی از لزوم ورود زنان فرهیخته جهت طراحی و مدیریت عرصه های مربوط به زنان است؛ به طوری که زنان با ورود به میادین ارزش سازی، ایجاد انتظارات صحیح مبتنی بر فرهنگ بازتولید شده و برنامه ریزی در راستای تحقق آن با در نظر گرفتن شاخصه هایی همچون فعال، جهادی، جامع و معتدل بودن و با نظر به شاخصه های الگوی سوم زن از قبیل اثرگذاری، دلسوزی، پشتکار حضور در عرصه های اجتماعی و عدم اکتفا به اصلاح حریم خصوصی زندگی، امکان عمل به وظایف زنان منتظر را محقق خواهند ساخت.

غفاری قدیر و یآوری (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی بی سی فارسی» نشان می دهد دال هایی از جمله: آسیب های اقتصادی ثمره جنگ هشت ساله برای ایران، منجی سازی از امریکا به عنوان ترسیم کننده پیروزی یا شکست عراق و ایران در جنگ، مقصر نشان دادن ایران به عنوان آغازکننده جنگ هشت ساله، نظریه «صدور انقلاب» عامل تحریک عراق برای شروع جنگ با ایران و... بوده است

تقی بختیاری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در امور مهاجرین و اتباع خارجی» درصدد بررسی اندیشه ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر ولایت فقیه (حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در امور مهاجرین است. نتایج نشان می دهد «اتحاد مسلمانان و استقلال آن ها» به عنوان شاخص بالادستی است که نقش هدایتگر را برای سایر ابعاد دارد.

محمدرضا تاجیک و جواد رمضان‌نژاد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی درباره جنگ عراق با ایران (مطالعه موردی دو فیلم مستند)» نشان می‌دهد گفتمان رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، متمرکز بر نگاه ضدجنگ، بدون در نظر گرفتن شأن دفاعی آن است. همچنین در این مستندها اعتقادات مذهبی مردم و به‌ویژه رهبر ایران یکی از عوامل اصلی آغاز و ادامه جنگ بازنمایی شده است.

روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این پژوهش، روش تحقیق کیفی است. «روش تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روابط اجتماعی دارد و وام‌دار این واقعیت است که زیست‌جهان‌ها متکثر شده‌اند» (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). و از میان روش‌های کیفی، روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه مورد نظر است. تحلیل گفتمان و بالاخص نوع انتقادی آن گرچه از برخی جهات مانند توجه به واقعیت‌های اجتماعی همچون متن، تأکید بر استخراج معنای بسترمند و شناخت اشکال ذهنی و مفهومی استفاده می‌کند ولی اساساً از اصول پارادایم تفسیری-برساختی پیروی می‌کند و عموماً مبتنی بر فرض‌های پارادایم انتقادی پیش می‌رود. شاید بتوان تحلیل گفتمان انتقادی را یک روش بین پارادایمی تلقی کرد که به ترکیب اصول فلسفی دو پارادایم تفسیری-برساختی و انتقادی پرداخته است (خنifer و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰). در ادامه، اشاره‌ای به مفاهیم اصلی روش لاکلا و موفه خواهیم داشت.

نظریه گفتمانی لاکلا و موفه، نظریه‌ای منسجم است که ابزار تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی-سیاسی در سطح کلان، در اختیار ما قرار می‌دهد. این نظریه به دلیل تأکید بر مسائلی همچون هویت، به‌عنوان یک مدل مطلوب سیاست فرهنگی برای جامعه‌شناسی سیاسی جدید شناخته شده است (نش، ۱۳۸۴: ۴۷). مفاهیم اصلی روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به شرح زیر است:

مفصل‌بندی^۱: هر عملی که میان عناصر مجزا و پراکنده ارتباط برقرار کند، به نحوی که معنا و هویت این عناصر در نتیجه عمل فوق تعدیل شود (Laclau & Mouffe, 1985: 105). مفصل‌بندی، تأسیس «نقاط هم‌پیوندی» است که معنا را به طور نسبی تثبیت می‌کنند. این تثبیت معنا، همیشه نسبی و ناقص (کلانتری به نقل از لاکلا و موفه، ۱۳۹۱: ۱۳۵). از این منظر، ساختارهای گفتمانی، نظام‌های معنایی هستند که دال‌های گوناگون را در جهت افاده مقصود در کنار هم قرار می‌دهند اما به واسطه گشودگی و از جا کنده‌گی دال‌ها، همواره در معرض تهدید و گفتمان رقیب قرار دارند (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

گفتمان^۲: کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل‌بندی است. گفتمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط شده‌اند. درواقع گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و ... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

حوزه گفتمان‌گونگی^۳: لاکلا و موفه معتقدند مجموعه معانی‌ای که از گفتمان طرد شده‌اند، در حوزه گفتمان‌گونگی یا میدان گفتمان قرار می‌گیرند. درواقع تمامی مدلول‌هایی که در گفتمان مفصل‌بندی نشده‌اند، وارد حوزه گفتمان‌گونگی می‌شوند.

پیشنهاد یورگنسن و فیلیپس آن است که مفهوم «نظم گفتمانی» فرکلاف را به مفهوم «حوزه گفتمان‌گونگی» اضافه کنیم. نظم گفتمانی، به فضای اجتماعی‌ای اشاره دارد که در آن گفتمان‌های مختلف، تا حدی قلمرو واحدی را تحت پوشش قرار می‌دهند و هریک در رقابت با دیگران تلاش می‌کنند آن قلمرو را به روش خاص خودشان معنادار کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶: ۱۰۳). فرکلاف معتقد است نظم گفتمانی، ترکیب تمامی گونه‌های گفتمانی به کار گرفته شده در یک میدان اجتماعی است (Fairclough, 1995: 66). بنابراین می‌توان این چنین بیان کرد حوزه گفتمان‌گونگی کل فضای اجتماعی را در بر می‌گیرد که در آن نظم‌های گفتمانی گوناگونی وجود دارد.

1. Articulation

2. Discourse

3. Field Of Discursivity

وقته‌ها^۱: وقته‌ها عبارتند از دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند. این معانی و هویت‌ها کاملاً تثبیت شده نیستند و امکان تغییر آن‌ها از طریق مفصل‌بندی‌های تازه وجود دارد.

عناصر^۲: دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آن‌ها تثبیت شده نیست و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادهی به آن‌ها دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند.

نقطه کانونی یا دال مرکزی^۳: نشانه‌ای که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند که البته تثبیت معنای نشانه‌ها حول دال مرکزی به صورت موقتی صورت می‌گیرد (Laclau & Mouffe, 1985: 112).

زنجیره هم‌ارزی^۴: در عمل مفصل‌بندی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی‌محتوایند؛ یعنی به‌خودی‌خود بی‌معنایند تا این‌که از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها از معنا پر می‌کنند ترکیب شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند و نظم و انسجام می‌بخشند. در هم‌ارزی، عناصر، خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، فعال می‌شوند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

منازعه^۵: در نظریه لاکلا و موفه هویت، همواره گفتمانی و در نتیجه تثبیت نشده است. آنتاگونیسم یا تنازع، به هویت شکل می‌دهد. هر هویت در واکنش و در تقابل با یک «دیگری» شکل می‌گیرد. بنابراین تنازعات یا خصومت‌ها، هرچند روابط عینی نیستند، اما مرزهای هویتی را مشخص می‌کنند؛ مرزهایی که جامعه پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد. (تاجیک و روزخوش،

۱. Moments

2. Elements

3. Nodal point

4. Chain of eQuivalence

5. Antagonism

۱۳۸۷: ۹۸). از نظر لاکلا و موفه، گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت میان «ما» و «دیگری» کسب هویت می‌کنند. به این ترتیب، آنتاگونیسم (تخاصم) امری است که از طریق آن، گروه‌ها، جوامع و... مرزهای هویتی خود را تعریف می‌کنند و در واقع از طریق «دگرسازی»، هویت خود را می‌سازند (نوذری، ۱۳۹۴: ۵۸).

تحلیل یافته‌ها

تحلیل گفتمان بیانات امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص دفاع مقدس، نشان می‌دهد وقته‌ها و عناصر اصلی گفتمان‌های ایشان به شرح زیر است.

الف) نظام گفتمانی امام خمینی (ره) درباره دفاع مقدس

پس از مرور سخنرانی‌ها و بیانات شفاهی و مکتوب امام خمینی (ره) درباره دفاع مقدس و استخراج مضامین اولیه، در این بخش دال‌های پیرامونی و دال مرکزی نظام گفتمانی امام خمینی (ره) و نحوه مفصل‌بندی آن شناسایی و تشریح شده است.

وقته ۱. اتحاد در برابر استکبار

در بیانات امام خمینی (ره) عنصر کلی «جنگ ایران و عراق»، به عنوان یک دال شناور و تثبیت‌نشده، تبدیل به وقته «اتحاد در برابر استکبار» می‌شود. امام خمینی (ره) در ماه‌های ابتدایی جنگ و در بیانات‌شان به این نکته اشاره داشتند که نیت اصلی صدام از این لشگرکشی تکیه‌زدن بر منصب خلافت مسلمین است و اگر مسلمانان و امرای کشورهای اسلامی در همین مرحله جلوی او را نگیرند، صدام می‌تواند به یک تهدید بسیار جدی برای امت اسلام تبدیل شود؛ فلذا مقابله با او وظیفه تمام کشورهای اسلامی است. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۲۸ مهر ۱۳۵۹ وظیفه دولت‌های اسلامی در قبال حملهٔ صدام به کشور اسلامی ایران	بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است، و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا ممالک اسلامی به آیهٔ شریفه‌ای که می‌فرماید که فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ [۴] چرا عمل نمی‌کنند؟
۲۸ مهر ۱۳۵۹ وظیفه دولت‌های اسلامی در قبال حملهٔ صدام به کشور اسلامی ایران	مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند. این قدرت اسلام بود که با دست خالی یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرت‌های بزرگ عالم غلبه داد، این قدرت اسلام بود. چرا مسلمین از این قدرت غافل‌اند؟ چرا دولت‌های اسلامی از این قدرت اسلام غافل هستند؟ چرا باید در طول سالهای متمادی دولت‌های عربی سیلی بخورند از صهیونیسم؟ چرا باید در تحت سلطهٔ قدرت‌های خارجی باشند؟ چرا خودشان با هم مجتمع نمی‌شوند؟ چرا به آیات شریفهٔ قرآن عمل نمی‌کنند؟ چرا با هم مجتمع نیستند؟
۲۸ مهر ۱۳۵۹ وظیفه دولت‌های اسلامی در قبال حملهٔ صدام به کشور اسلامی ایران	ما نمی‌دانیم که چرا مسلمین - یعنی، ممالک اسلامی، والا خود مسلمین با ما هستند - چرا ممالک اسلامی پا میان نمی‌گذارند و این آدم را به پای میز محاکمه نمی‌کشاند. از چه می‌ترسند؟ صدام باید محاکمه بشود همان‌طوری که کارتر باید محاکمه بشود.
۶ مرداد ۱۳۶۶ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام (برائت از مشرکان)	امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهان‌خواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غدهٔ سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای پردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهان‌خوار بوده
۱۶ آبان ۱۳۵۹ سخنرانی در جمع مسلمانان پاکستانی (سکوت مسلمین در مقابل تجاوزات عراق)	چرا این مسائلی که در ایران واقع شده است و این مسائلی که به مملکت ما وارد شده است و آن‌طور بچه‌ها و کوچک‌ها و زنها و مردها را اینها قتل عام کرده‌اند، برخلاف موازین بین‌المللی و برخلاف موازین جنگ به جاهای مسکونی حمله کردند، چرا مسلمین در این مطلب هیچ توجهی ندارند؟ چرا

۲. پیشرفت مادی و معنوی در جنگ

عنصر و دال شناور دیگری که در گفتمان امام خمینی (ره) تبدیل به وقته می‌شود، عنصر «مخرب بودن جنگ» است. این عنصر که در گفتمان‌های «ضدجنگ»، جایگاه ویژه‌ای دارد، در

گفتمان امام خمینی (ره) تبدیل به وقته و دال تثبیت شده «پیشرفت مادی و معنوی در جنگ» می‌شود؛ یعنی حضرت امام (ره) جنگ را بحرانی می‌بیند که تبدیل به فرصتی برای «ملت ایران» می‌شود: از خودکفایی و استقلال و پیشرفت در تولید تجهیزات نظامی تا رشد معنوی جوانان در جبهه‌های نبرد «حق علیه باطل». امام خمینی (ره) بر این باور بودند که جنگ علاوه بر همه آسیب‌ها و ضررهایی که دارد، نکات مثبت و خیراتی نیز دارد که نباید مغفول واقع شود. جنگ سبب شد تا سستی بر پیکره جامعه اسلامی غالب نشود و مردم هم‌دل شوند و همچنین توانست معنویت را در جامعه گسترش دهد. زنده نگه‌داشتن این برکات می‌تواند موجب مسلح شدن جامعه اسلامی در برابر حمله‌های دشمنان شود. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۱۴ آبان ۱۳۵۹ سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم	شما ببینید که در این جنگی که به ایران تحمیل کردند و اشخاص خائن به اسلام، مخالف سرسخت با اسلام، این جنگ را بپا کردند، ایران چه جور باز زنده شد، یکبارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به یک مقصد؛ سرتاسر ایران. کدام کار ممکن بود که این‌طور مردم را بسیج کند؟ این جنگ بود که بسیج کرد. پس [در جنگ چیزهایی است که ما خیال می‌کنیم بد است، بعد خوب از کار درمی‌آید.
۱۴ آبان ۱۳۵۹ سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم	از جنگ خسته نشوند مردم. جنگ یک چیز خوبی است. البته ما پیشقدم نیستیم. برای جنگ ما پیشقدم نیستیم، لکن حالا که به ما تحمیل شده است، این یک آثار بزرگی دارد برای نهضت ما. یکی از آثارش این است که دشمن ما را رو سیاه کرد در دنیا.
۶ مرداد ۱۳۶۶ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام	خدا را سپاس می‌گذاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست... علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه‌اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ‌گونه کمک خارجی، دست‌یافته‌ایم.
۲۲ خرداد ۱۳۶۱ سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش	در سطح معنویت این‌ها (شرق و غرب) نمی‌توانند اصلاً تصور کنند که یک کشور چهل میلیونی چطور متحول شده است به یک چیزی که جوان‌هایشان را می‌دهند و گریه می‌کنند که کاش یکی دیگر هم داشتند. دست‌وپایشان را از دست داده‌اند و تأثرشان به این است که من ندارم که باز [به جبهه] بروم!

۳. رویارویی حق و باطل

امام خمینی (ره) در گفتمان خود «جنگ تحمیلی» را فراتر از «منازعه دو کشور» بر سر «مسائل مرزی» می‌داند. درواقع امام مفهوم و عنصر «جنگ» در معنای کلاسیک را تبدیل به وقته «نبرد حق علیه باطل» می‌کند و آن را در یک بستر الاهیاتی-اسلامی تفسیر می‌کند. امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود به این مطلب اشاره می‌کنند که دشمن اصلی نظام استکبار، نه ایران و نه جمهوری اسلامی، بلکه خود اسلام است و این اسلام بود که سبب کوتاه شدن دست آن‌ها از ایران شد؛ به همین خاطر است که تلاش‌شان را می‌کنند تا با نقشه‌ای حساب شده اسلام را از میان بردارند؛ ایشان در پیام خود به مناسبت هفته دفاع مقدس سال ۶۰ بیان می‌دارند که جنگ ما در برابر کفار است و نه تنها صدام کافر است، بلکه نظام او نیز مخالف صددرصدی با اسلام است و طبق وعده خداوند غلبه با حق است. به اعتقاد ایشان باید به مقاومت و نبرد در برابر باطل ادامه داد تا باطل نابود شود و ایشان هدف ایران در جنگ را ساقط کردن نظام صدام بیان کردند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۲۷ مهر ۱۳۵۹ فرمان آماده باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی	در این میدان شرف پایدار با شید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید که به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فضاحت تمام به عقب خواهید راند. و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگ‌زده در مقابل کفار ایستاده‌اید، بهوش باشید و باید تذکر بدهم که نقشه‌های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام. مقصد اصیل این است که اینها چون از اسلام سیلی خورده‌اند و با قدرت «اللهاکبر» آنها را از ایران بیرون کرده‌اند و دست چپاولگرها را کوتاه کرده‌اند، لهذا، دشمن اصلی، اسلام است؛ نه ارتش است، نه روحانیت است و نه جمهوری اسلام و نه حکومت اسلامی و نه آنهایی که در راه اسلام دارند فداکاری می‌کنند. دشمن اصلی اینها نیستند، دشمن اصلی اسلام است.
۲۵ آبان ۱۳۵۹ سخنرانی در جمع فارغ التحصیلان دانشکده افسری	قضیه جنگ امروز برای همه ما همیشه بیشتر از فروع دین است. این طور نیست که جنگ مثل امر جنگی باشد که دیگران با دیگران می‌کنند. جنگی است که اسلام دارد می‌کند در مقابل کفر، اسلام دارد می‌کند در مقابل نفاق و این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می‌کنند، من باشم ادا می‌کنند، نباشم هم ادا می‌کنند.
۱۸ آبان ۱۳۶۵ سخنرانی در جمع اعضای کمیته‌ها	یک سال از هجوم بعث کافر عراق به سرزمین اسلام و جمهوری اسلامی ایران گذشت. اکنون در آستانه «هفته جنگ» و بررسی ابعاد مختلف آن، از

پیام به ملت ایران در هفته دفاع مقدس (بررسی علل و ابعاد جنگ تحمیلی)	انگیزه‌ها و پیامدها و دست‌های جنایتکاری که از آستین حزب بعث کافر عراق و صدام غفلتی پیدا ست، تا ثمرات تلخ و شیرینی که در مقابله حق و باطل و اسلام و کفر به بار آورده است، سخن است.
--	---

۴. سعادت ابدی با شهادت

دال و عنصر شناور دیگری که در گفتمان امام خمینی (ره) معنایی متفاوت به خود می‌گیرد، عنصر «کشته شدن و از دست دادن جان در جنگ» است. اگرچه امام خمینی (ره) نسبت به مدیریت جنگ و موفقیت در عملیات‌ها، حساسیت ویژه و سختگیرانه‌ای دارند، اما در گفتمان ایشان عنصر «کشته شدن» تبدیل به وقته «شهادت» می‌شود و این وقته خود در یک معنای دینی - اسلامی به عنوان «سعادت ابدی» معرفی می‌شود و نائل آمدن به این مقام، نیازمند «تفضل و لطف الهی» است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سخنرانی‌شان در آستانه ماه محرم سال ۵۹ بیان می‌دارند که ملت ایران هیچ ترسی از جنگ ندارد و شهادت را فوز عظیم و آزادی ابدی می‌دانند. با چنین ملتی نمی‌توان به راحتی مقابله کرد و همین روحیه شهادت‌طلبی و شجاعت در برابر دشمن بود که سبب مقاومت هشت ساله مردم ایران در برابر عراق شد. در سایر پیام‌هایشان خطاب به ملت ایران نیز این نکته به چشم می‌خورد که اگر مردم جهاد کنند و در مقابل دشمن اتحاد داشته باشند، هم به سعادت ابدی می‌رسند و هم اینکه بر دشمن کافر فائق می‌آیند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۱ مهر ۱۳۶۷ موضوع: تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران	از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه شان و در شادی وصولشان عند ربهم یرزقون [۱] اند؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی [۲] پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش برخود می‌شکافد
۲۷ مهر ۱۳۵۹ فرمان آماده باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی	اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می‌باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ ابدی؛ اگر خدای نخواست در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید.

۱۴ آبان ۱۳۵۹ سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)	ما از جنگ چه ترسی داریم؟ یک ملتی که حاضر است برای شهادت و شهادت را فوز عظیم می داند، چه باکی از این مسائل دارد؟ از این، از اینکه باکی نیست. تازه وقتی که یک جنگی شروع می شود، ملت ما بیدار می شود. بیشتر متحرک می شود.
۱۶ مرداد ۱۳۶۵ پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج	ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند، جنگ را تا سر حد شهادت و لقاءالله که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادی گرایان لقاءالله را نابودی لقب می دهند.
۶ مرداد ۱۳۶۶ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام (برانت از مشرکان)	من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخوااران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکالی به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی کنیم.

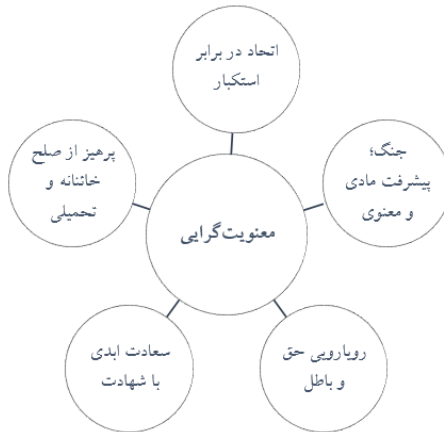
۵. مقاومت و پرهیز از صلح خائنانه و تحمیلی

باتوجه به نگاه الاهیاتی و اسلامی حضرت امام (ره) به موضوع جنگ و نگاه ایشان به جنگ ایران و عراق به عنوان «رویارویی حق و باطل»، دال شناور «صلح» تبدیل به وقته «مقاومت و پرهیز از صلح خائنانه» می شود. امام (ره) از همان روزهای آغازین جنگ بر این نکته پای فشاری می کردند که صلح کردن با دشمن کافر و صدام عین خیانت است و جنگ باید تا سرنگونی نظام صدام ادامه پیدا کند. ایشان بیان می دارند که صلح تحمیلی از جنگ نیز بدتر است و صلح طلبی نقشه شوم دشمنان برای ذلیل کردن ملت است. سخنرانی هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۱۶ مرداد ۱۳۶۵ پیام به مردم و زائران بیت‌الله الحرام به مناسبت ایام حج (مهجوریت حج ابراهیمی)	برایمان سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی دارد؟ چه کسی است که نمی‌داند صلح‌طلبی دشمن برای مجهز شدن بیشتر و غافلگیری‌ای است، که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای مجهز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب به رسمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می‌کند؟ و کیست که نداند این امر از بزرگ‌ترین گناهان است و از واضح‌ترین خیانت‌ها به مسلمین است؟
۲ شهریور ۱۳۶۵ سخنرانی در جمع مسئولان نظام به مناسبت عید غدیر (پیام غدیر)	قصه امام حسن و قضیه صلح، این هم صلح تحمیلی بود؛ برای اینکه امام حسن، دوستان خودش، یعنی آن اشخاص خائنی که دور او جمع شده بودند، او را جوری کردند که نتوانست خلافتش بکند، صلح کرد؛ صلح تحمیلی بود. این صلحی هم که حالا به ما می‌خواهند بگویند، این است.
۲ شهریور ۱۳۶۵ سخنرانی در جمع مسئولان نظام به مناسبت عید غدیر (پیام غدیر)	ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم؛ به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند، آنهایی که [پیشانی شان] داغ [سجده] داشت، آنها تحمیل کردند به حضرت امیر حکمیت را و تحمیل کردند آنکه حکم باید بشود، بعد که حضرت امیر با فشار اینها نتوانست، می‌خواستند بکشندش اگر نکند؛

همان‌طور که در شکل زیر مشاهده می‌شود، اتحاد در برابر استکبار، سعادت ابدی با شهادت، رویارویی حق و باطل؛ مقاومت و ایستادگی، پرهیز از صلح خائنانه و پیشرفت مادی و معنوی به‌واسطه جنگ، دال‌های اصلی نظام گفتمانی امام خمینی (ره) درباره دفاع مقدس هستند. این دال‌ها حول چه دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند؟

دال مرکزی؛ معنویت سیاسی



شکل ۱: مفصل‌بندی گفتمان امام خمینی (ره) درباره دفاع مقدس

پس از بررسی بیانات امام خمینی (ره) در طول زمان دفاع مقدس، به نظر می‌رسد که ایشان **معنویت سیاسی** را مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری مقاومت ایران در برابر دشمن بعثی می‌دانند. منظور از معنویت سیاسی چیست؟

میشل فوکو، معنویت را به سیاست گره می‌زند؛ وی معنویت سیاسی را درواقع «اراده‌ای معطوف به خلق می‌داند که از طریق روش جدیدی در حکمرانی بر خود و دیگران، سعی بر آن است که میان حق و باطل خط جدایی ایجاد کند» (هاشمی مدنی، ۱۳۸۷؛ به نقل از امامی، ۱۴۰۰). درک «معنویت سیاسی» فوکو اگر از چارچوب «حکمرانی و حاکمیت» خارج شود، به راحتی گیج‌کننده است (Carrette, 2000). بنابراین معنویت سیاسی فوکو بخشی از مسئله‌سازی دولت است (فوکو، ۱۹۸۲). لذا از این تعریف این‌گونه برداشت می‌شود که بستر رسیدن به معنویت، سیاست است. از طرفی بازوی سیاست، قدرت و تجلی آن، تشکیل حکومت است. لذا منظور از معنویت سیاسی یعنی تشکیل حکومت و جامعه‌ای که هدفش معنویت است. بدین ترتیب معنویت سیاسی در اسلام، یعنی جامعه و حکومتی که هدفش معنویت و پایه و اساسش مبانی اسلامی است و سعی دارد با استفاده از اجرای امور سیاسی، به قرب الهی دست یابد (امامی، ۱۴۰۰).

همان‌طور که در نظام گفتمانی امام خمینی (ره) قابل مشاهده است، در بیانات ایشان در موضوع دفاع مقدس همواره به شاخص‌های معنویت‌گرایی یعنی خداباوری، ایمان به غیب، اعتقاد به معاد و باور به کتاب الهی یعنی قرآن اشاره می‌گردد. امام خمینی (ره) تأکید داشتند که مسلمانان و رهبران کشورهای اسلامی باید جلوی خوی تجاوزگرانه صدام را بگیرند تا آنچه برای ایران رخ داد برای سایر کشورهای اسلامی تکرار نشود. ایشان بر این اعتقاد بودند که نبرد میان ایران اسلامی و عراق بعثی، صف‌آرایی حق در مقابل باطل است و هنگامی که ملتی در مقابل کفار مقاومت کند و با آن‌ها مبارزه کند، خداوند متعال الطاف خود را بر آن ملت نازل می‌کند، به‌همین دلیل است که جنگ هشت ساله علاوه بر آفات و خرابی‌های گسترده‌ای که به بار آورد برکات قابل توجه و اثرگذاری نیز داشت که نباید مغفول واقع شود. در نظر ایشان ملتی که در برابر کفار ایستادگی کرده و در این راه از خودگذشتگی کند همواره پیروز خواهد بود، زیرا یا نظام استکباری را سرنگون می‌کند و یا اینکه شهید می‌شود و به رستگاری ابدی می‌رسد؛ عامل شهادت همواره اصلی‌ترین سبب ساز قدرتمندی رزمندگان ایرانی در برابر دشمن بوده است. در شرایطی که مردم متحد شده‌اند و بدون ترس از نبرد و با شوق نسبت به شهادت در مقابل دشمنان ایستادگی می‌کنند سخن گفتن از صلح خیانتی نابخشودنی خواهد بود که موجب ناامیدی و یأس مردم می‌شود.

۲. نظام گفتمانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره دفاع مقدس

پس از مرور سخنرانی‌ها و بیانات شفاهی و مکتوب امام خمینی (ره) درباره دفاع مقدس و استخراج مضامین اولیه، در این بخش دال‌های پیرامونی و دال مرکزی نظام گفتمانی امام خمینی (ره) و نحوه مفصل‌بندی آن شناسایی و تشریح شده است.

▪ شکوفایی استعدادها و رشد معنوی

در گفتمان رهبر معظم انقلاب، عنصر و دال شناور «جنگ مخرب»، در فرآیند تثبیت معنا تبدیل به وقته «شکوفایی استعدادها و رشد معنوی» شده است. بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دفاع مقدس بستری مناسب ساخت تا جوانانی که در آن حضور می‌یابند، توانمندی‌های مادی و معنوی خود را به فعلیت برسانند. مثالی برای این مورد جوانانی هستند که با سن کم به

توانایی شگفت‌انگیزی در مدیریت جنگ و مسائل استراتژیک مرتبط با آن دست یافته بودند و در کنار آن ظرفیت معنوی و روحانی خود را نیز ارتقا بخشیده بودند. رهبری در بسیار از سخنرانی‌های خود والاترین میراث دفاع مقدس را همین بسترسازی برای شکوفایی استعدادها در زمان جنگ و حتی پس از آن می‌دانند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۲۴ شهریور ۱۳۸۸ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس	هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگ‌های پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والائی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد
۲۴ شهریور ۱۳۸۸ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس	این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.
۲۴ شهریور ۱۳۸۸ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس	مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوان‌های نارس ما در بسیاری از بخش‌ها انجام می‌دادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌هاست.
۳ خرداد ۱۳۹۶ بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس	یکی از بزرگ‌ترین فواید این جنگ هشت‌ساله و دفاع هشت‌ساله، حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه‌ی ما بود. اگر چنانچه این حرکت جهادی و فداکارانه به وجود نمی‌آمد، روحیه‌ی انقلابی در آن اوایل که هنوز عمق زیادی هم پیدا نکرده بود، در معرض تپاول قرار می‌گرفت.

۱۹ اسفند ۱۳۹۶ بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور	یکی از خصوصیات [دیگر] دفاع مقدس، روحیه‌ی ابتکار و کارهای نو بود ... یکی از مهم‌ترین مسائل رزمندگان ما ابتکار بود، بعد هم توسل‌ات معنوی. جبهه‌ها جایی بود که انسان‌های متعارف و معمولی وقتی می‌رفتند آنجا، حقیقتاً در وادی صفا و نورانیت عرفان وارد می‌شدند، [آن‌هم] به‌طور قهری! این خصوصیات رزمندگان ما بود. لذا خود این جنگ، انسان‌ساز شد. یعنی دفاع مقدس موجب شد که هر کدام از جوانان معمولی و عادی ما -حالا یا دانش‌آموز یا دانشجو یا کاسب یا روستایی یا کارگر یا کشاورز، باسواد، بی‌سواد- که در این بوته‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علو مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند.
---	---

▪ جنگ‌افروزی برای نابودی و تحقیر انقلاب اسلامی

عز صبر دیگری که در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای در فرآیند تثبیت معنا قرار گرفته، «هدف جنگ» است. در نگاه ایشان، هدف و دلیل جنگ فقط مسائل مرزی نیست، بلکه «جنگ ایران و عراق» در مقیاس جهانی و در زمینه‌ی الاهیاتی (نظام استکبار در برابر نظام اسلامی) و با هدف «نابودی و تحقیر انقلاب اسلامی» قابل فهم و معنا است. عراق برای آغاز جنگ بهانه‌های متعددی را مطرح کرد، از جمله متصل کردن مناطق نفت‌خیز ایران به عراق و ... اما در حقیقت این آمریکا بود که صدام را برای حمله به ایران تشویق می‌کرد و به ایران حمله کردند تا گفتمان خودشان از اسلام (گفتمان آمریکایی) را بر جهان غالب سازند و همچنین اعتماد به نفس مردم تازه انقلاب کرده ایران را تخریب کنند تا توان ادعا در غرب آسیا نداشته باشند و بتوانند از قیام‌های مردمی این‌چنینی جلوگیری کنند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۶ مهر ۱۳۷۹ بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس	آن‌هایی که می‌خواهند ستنده قطعه‌ای از خاک ایران را از ایران جدا کنند، هدفشان فقط این نبود که ایران را از آنچه هست، قدری کوچک‌تر کنند. هدف این بود که این ملت را برای قرن‌ها - حداقل یک قرن، دو قرن - با احساس حقارت سر جای خود بنشانند. و در مردمی که جرأت کرده بودند مقابل امپراتوری عظیم استکبار جهانی قیام کنند؛ برخلاف همه عرفهای بین‌المللی، یک حکومت صددرصد مردمی را که به هیچ قدرتی در دنیا باج نمی‌دهد، سر کار بیاورند، روحیه شجاعت و خودباوری را بمیرانند
۶ مهر ۱۳۷۹ بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس	این که شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عربهای خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره آمریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق کمک کردند؛ هدفشان این نبود که چند شهر را از ایران بگیرند و به عراق بدهند یا یک دولت مستقل در ست کنند. هدف، نابود کردن ملت ایران بود. هدف، صاف کردن آن حفره‌هایی بود که ملت ایران در دستگاه اقتدار امپراتوری استکبار به وجود آورده بود. اما خدا نخواست!
۱۹ اسفند ۱۳۹۶ بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور	حمله نظامی به ایران [هم] اوّل به بهانه‌ی این بود - یعنی این جور می‌گفتند و شعار می‌دادند - که می‌خواهند مناطق نفت‌خیز را از ایران جدا کنند و به عراق متصل کنند؛ اینها [فقط] حرف بود؛ بحث مناطق نفت‌خیز نبود؛ بحث اصل حکومت بود، اصل انقلاب بود؛ می‌خواستند انقلاب را نابود کنند.
۵ مهر ۱۳۷۰ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه	جنگ را به وجود آوردند، تا نظام اسلامی را از بین ببرند، یا وادار به تسلیم کنند؛ برای آنها فرقی نمی‌کرد. می‌خواستند یا جمهوری اسلامی به خاطر اشغال و گرفتاری‌های جنگ ساقط بشود، یا اگر ساقط نمی‌شود، همان‌طوری که بیشتر کشورهایی که به این مصیبت‌ها دچار می‌شوند و بالاخره رو به یک قدرتمند می‌کنند و پیش او دست دراز می‌کنند، شاید ملت ایران و امام عظیم‌الشأن این ملت هم مجبور بشوند در مقابل دشمنان تسلیم بشوند، دست دراز کنند و بگویند خیلی خوب، ما تسلیم هستیم؛ نگذارید دیگر عراق این قدر ما را بکوبد. بدون تردید هدفشان این بود؛ اما این آرزو هم به دلشان ماند

۱۶ تیر ۱۳۸۳ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان همدان	نقشه‌ی استکبار جهانی این بود که اشغالگران بعثی در کشور ما همین‌جور با مردم ما رفتار کنند؛ نقشه‌ی امریکا و همدستان مستکبر او در دنیا این بود که ملت ایران را ذلیل و تحقیر کنند... اینها به صدام کمک کردند؛ صدام در دست اینها بود. با اشاره‌ی اینها و با چراغ سبز و کمک اینها میخواستند ملت ایران به وسیله‌ی صدام تحقیر و ذلیل شود که جوانان، شهدا، جانبازان و خانواده‌های شهدا نگذاشتند؛ این یک افتخار تمام نشدنی است. این چیزی نیست که زمان بر آن بگذرد و کهنه شود.
۳۱ شهریور ۱۳۶۶ بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل	امروز دیگر پس از گذشت هفت سال همه به روشنی می‌توانند یقین کنند که حمله‌ی ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۵۹ - یعنی ۱۹ ماه پس از تشکیل جمهوری اسلامی - که با ده لشکر و صدها فروند جنگنده از زمین و هوا و دریا انجام شد، بجز توسعه‌طلبی و انضمام بخشی از ایران به عراق چیزی که بارها در کتب و مطبوعات عراقی یا غیر عراقی جیره‌خوار به آن تصریح شده، شکست انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را هم هدف گرفته بوده است.

▪ مقاومت و قدرت بازدارنده

آیت‌الله خامنه‌ای در نظام گفتمانی خود دال شناور «جلوگیری از تهاجم دشمن» در همه سطوح را در وقته «مقاومت و قدرت بازدارنده» تثبیت معنا می‌کنند. مقام معظم رهبری بر این باورند که مشوق اصلی صدام در حمله به ایران در شهریور ۵۹، احساس ضعفی بود که دشمن نسبت به ما داشت و همین عامل باعث ایجاد این خوش‌بینی در آنها شد که واقعاً خیال می‌کردند در عرض چند روز به تهران خواهند رسید. ایشان راهکار جلوگیری از این مسئله را در این می‌بینند که اگر ما اظهار ضعف نکنیم و هم‌چنین دست بالاتری در قدرت داشته باشیم، می‌توانیم دشمن را از تهاجم منصرف کنیم؛ چه تهاجم نظامی و چه تهاجم فرهنگی و اقتصادی. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۱۹ اسفند ۱۳۹۶ بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروان های راهیان نور	... اگر این هشت سال دفاع مقدس با آن خصوصیات در این قطعه ای از تاریخ کشور ما وجود نمی داشت، امروز کشور ما و ملت ما مطمئناً نه از عزت، نه از امنیت، نه از سلامت، نه از استقلال و نه از آزادی برخوردار نبود. آن هشت سال - هشت سال به ظاهر جنگ و فشار و ترس و هول و مشکلات فراوان - در باطن خود یک نعمت الهی بود؛ یکی از الطاف خفیه ای الهی بود که به این کشور و این ملت عطا شد.
۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس	در عرصه ی کار بزرگی که در این کشور انجام گرفت - یعنی دفاع مقدس - کشور هیچ احساس ضعف نکرد. با اینکه ما از لحاظ نیروی نظامی، از لحاظ تجهیزات و توانائی های عرفی معمولی با دشمن مان که طرف مقابل ما بود، خیلی تفاوت داشتیم - همه ی موجودی ما بخشی از موجودی دشمن مقابل ما نمیشد - اما احساس ضعف نکردیم.
۱۶ اسفند ۱۳۹۵ بیانات در دیدار دست اندرکاران راهیان نور	جنگ تحمیلی به خاطر این اتفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرکینش خاطر جمع نبودند که سر چند روز به تهران خواهند رسید - آنها این جوری فکر میکردند - این جنگ انجام نمیگرفت؛ آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله ی به شما است؛ این یک قاعده ی کلی است. اگر میخواهید دشمن را از تهاجم به خودتان منصرف کنید، سعی کنید اظهار ضعف نکنید.
۳ خرداد ۱۳۸۲ بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)	اگر کشوری مورد تهدید قرار گرفت، برای این که هدف سیلی ماجراجویانه ی امریکا و استکبار قرار نگیرد، باید چه کار کند؟ یک راه بیشتر ندارد و آن این است که وضع خود را طوری سازماندهی کند که دشمن یقین کند یا احتمال زیاد بدهد که اگر وارد شد، پیروز بیرون نخواهد آمد. این تنها راه جلوگیری از حمله ی دشمن است. یعنی چه کار کند؟ وحدتش را حفظ کند؛ مردمش را را ضی نگه دارد؛ وضع معیشت مردم را روبه راه کند و ارزشهایی را که موجب می شود مردم در مقابل متجاوز بایستند، تقویت کند.

▪ روایت هنرمندانه جنگ

باتوجه به اینکه دوران زعامت آیت الله خامنه ای پس از جنگ تحمیلی است و دال شناور «بررسی و گفتگو درباره ابعاد مختلف جنگ» موضوعیت دارد، ایشان این دال را در وقته «روایت هنرمندانه جنگ» تثبیت معنا می کنند. از نظر ایشان، جنگ سرشار و مملو از «زیبایی هایی» است که باید با «زبان هنر» برای مردم و به خصوص نسل جدید و جنگ نادیده، روایت شود. مقام معظم رهبری دفاع مقدس به یک تابلوی نقاشی بسیار زیبا، بزرگ و پر

جزئیات تشبیه می‌کنند که هر چه به آن نزدیک می‌شویم بیشتر غرق زیبایی‌هایش می‌شویم. ایشان روایت کردن این زیبایی را مهم‌ترین عمل برای حفظ و تقویت میراث جنگ می‌دانند که اگر این روایت‌گری توأم با هنر و ذوق باشد می‌تواند اثرگذاری پیام را چندین برابر کند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

خلاصه متن	منبع
یکی از چیزهایی که در حفظ مرز هویت ملی تأثیر زیاد دارد، عبارت است از حفظ خاطرات آن دوران دفاع مقدس و دوران باشکوه	۲۳ مهر ۱۳۹۰ بیا نات در اجتماع مردم گیلان غرب
امروز انگیزه‌هایی وجود دارد از سوی دشمنان این ملت برای به فراموشی سپردن دوران دفاع مقدس؛ تلاش می‌کنند برای این کار، که یا آن را به فراموشی بسپارند یا آن را زیر سؤال ببرند یا بدنامش کنند. امروز به‌وسیله قدرتمندان دشمن ایران برای این کار پول خرج می‌شود برای اینکه آن را به فراموشی بسپارند. کاری که شما دارید می‌کنید، یک مبارزه‌ی مردمی عظیمی است در مقابل کاری که دشمن می‌کند. تاریخ و دوران دفاع مقدس، یک ذخیره است که از این ذخیره با‌بستی برای پی‌شرف کشور، برای رشد ملی، برای آمادگی در میدانهای فراوانی که هر ملتی در مقابل خود دارد، استفاده کرد.	۱۹ اسفند ۱۳۹۶ بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور
ما باید آن مجموعه را همچنان که هست، مثل آثار ساختمانی جنگ - که امام فرمودند اینها را حفظ کنید - حفظ کنیم؛ این اهمیتش از آنها خیلی بیشتر است. ما تا آن‌جا که می‌توانیم، باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم؛ که حالا شما دارید این کار بزرگ را انجام می‌دهید. تاریخ نمیتواند اینها را بیان کند. در تاریخ خواهند گفت هشت سال جنگ شد - دیگر بیشتر از این‌که نمی‌شود بگویند.	۱۶ دی ۱۳۷۰ بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه
[دستگاه تبلیغاتی استعماری آمریکا و غرب] نشانه‌ی مقاومت ملت ایران را منعکس نمی‌کنند. در دوران جنگ هم پیروزیهای ملت ما را منعکس نمی‌کردند. آن روزی که رزمندگان سلحشور ما خرم شهر را پس گرفته بودند، خبر آن‌را منعکس نکردند.	۲۲ اسفند ۱۳۶۸ بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم
ما در ادبیاتمان، در سینمایمان، در تئاترمان، در تلویزیونمان، در روزنامه‌نگاریمان، در فضای مجازیمان بسیاری از کارها را باید انجام بدهیم دربارهی دفاع مقدس که انجام نداده‌ایم؛ هر جا هم که انجام دادیم و متعهدانه انجام دادیم، ولو در حجم کم و نسبت به مجموع کاری که باید انجام بدهیم، اندک [بوده] اما تأثیرگذار بوده.	۴ مهر ۱۳۹۷ بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس
خود ما باید دست به کار بشویم، برای قهرمانهایمان باید فیلم بسازیم، ما قهرمانهایی داریم: همّت قهرمان است، باکری قهرمان است، خرازی قهرمان	۴ مهر ۱۳۹۷ بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس

	است؛ این چهره‌ها باید معرفی بشوند، باید دنیا این چهره‌ها را بشناسد، عظمت اینها را بفهمد، بداند.
۴ مهر ۱۳۹۷ بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس	اگر چنانچه شما امروز به جمع‌آوری و افزودن بر سرمایه‌ی خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت؛ این یک خطر است؛ من دارم به شما می‌گویم. جنگ را شما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده‌اید؛ اگر شما جنگ را روایت نکردید، دشمن شما جنگ را روایت خواهد کرد آن‌طور که دلش می‌خواهد. از یک ضعفهایی هم استفاده میکنند -البته هر حرکت نظامی و غیرنظامی ممکن است ضعفهایی داشته باشد که حتماً دارد؛ از اینها استفاده میکنند- و طبق میل خودشان می‌سازند. ما باید در این زمینه خیلی احساس وظیفه کنیم، خیلی کار کنیم.
۱ مرداد ۱۳۸۰ بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر	توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است، که توقع زیادی هم نیست. شما خاطرات هشت سال دفاع مقدس را مرور کنید، ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا میکنید؟ شما در عالیترین آثار دراماتیک دنیا، آن‌جایی که به فداکاری یک انسان برخورد میکنید، او را تحسین و ستایش میکنید... هزاران حادثه به مراتب بارز شتر و بزرگتر از آنچه در این اثر هنری نشان داده شده، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در خود انقلاب، در خانه شما اتفاق افتاد. آیا این زیبایی نیست؟ هنر میتواند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد؟ توقع انقلاب این است و توقع زیاده‌خواهانه‌ای نیست. میگویند چرا زیبایی دیده نمیشود! کسی که به این مقوله بی‌اعتناست، نمیخواهد این زیبایی را ببیند؟
۲۴ شهریور ۱۳۸۸ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس	سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به دست فراموشی سپرده بشود؛ برای این تلاش شده، کار شده. آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و تواضع آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز -یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن- را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین نیازهاست. اینها را بایستی نگه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که میشود برای به فراموشی سپردن آنها، مقاومت کنیم. کار شما روایت دفاع مقدس و همین مجاهدت بزرگ است.

■ ایمان، ایثار و همبستگی

رهبر معظم انقلاب «عامل پیروزی در جنگ» را در نظام گفتمانی خود در قالب وقته «ایمان، ایثار و همبستگی» تثبیت معنا می‌کند. درواقع ایشان دال‌های شناور «تجهیزات جنگی»، «حمایت

سایر کشورها»، «نقش سازمان‌های بین‌المللی» و... را به حوزه گفتمان‌گونی می‌برند و در مقابل بر عامل قدرتمند «ایمان، ایثار و همبستگی» تأکید می‌کنند. آیت الله خامنه‌ای در بیانات‌شان به این نکته اشاره می‌کند که حرکت نظامی اگر از سوی دشمن انجام بگیرد، ملت را پُرانگیزه‌تر و متحدتر می‌کند. این هم‌دلی مردم هنگامی که با روحیه ایثار همراه شود می‌تواند حماسه‌های بی‌نظیری خلق کند. از جان‌گذشتگی جوانان و همچنین اتحاد آحاد مردم برای حمایت از جبهه‌های جنگ موجب مقاومت ایران در مقابل عراق شد. با بررسی بیانات رهبری میتوان نتیجه گرفت که ایشان عوامل پیروزی مردم ایران را، ایمان به خدا، فداکاری و هم‌بستگی می‌دانند. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۱۱ دی ۱۳۷۰ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای استان بوشهر	اگر انسان مسلمان، با روحیه‌ی شهادت‌طلبی در میدان بماند، هیچ قدرتی نمیتواند بر او فایق بشود؛ این روحیه را باید حفظ کرد. من به خانواده‌های عزیز شهدا، مخصوصاً فرزندان‌شان - این جوانان و نوجوانان عزیز - توصیه میکنم، هرچه می‌توانید، خودسازی کنید. همه باید خودسازی بکنند؛ اما شما اولی هستید.
۳ خرداد ۱۳۸۴ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا	دشمن، نقطه‌ی ضعف خودش و نقطه‌ی قوت شما را هم فهمیده. نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار و دل دادن به مجاهدت و همچنین همبستگی و همدلی شماها با هم است. نقطه‌ی ضعف او این است که در مقابل نیروی ملی یک ملت هیچ ابزاری ندارد. ابزار نظامی فایده و پیرشرفتی ندارد؛ این را دشمن میدانند. دشمن در صدد است این مقاومت را درهم بشکند؛ در صدد است این ایمان را تضعیف کند؛ در صدد است همبستگی ملی و همدلی را از بین ببرد.
۱۹ اسفند ۱۳۹۶ بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور	نوع دفاع ما یک دفاع فوق‌العاده‌ای بود؛ همراه بود با عزم و اراده‌ی قوی؛ در میدانهای جنگ ما اراده و عزم و تصمیم قاطع موج میزد؛ [همراه بود] با ایمان؛ یعنی باور نسبت به حقانیت خود و بطلان دشمن؛
۵ مهر ۱۳۷۰ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه	چه شد که این پیروزی به دست آمد؟ برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور! چه شد که شما پیروز شدید؟ آیا جز ایمان شما، توکل شما به خدا، تصمیم شما برای ایستادگی در مقابل دشمنان خدا، وحدت کلمه‌ی شما...

۱۶ اسفند ۱۳۹۵ بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور	حرکت نظامی اگر چنانچه از سوی دشمن انجام بگیرد، ملت را پُرانگیزه‌تر میکند، مُشتِ ملت را در مقابل آنها محکم‌تر میکند؛ حرکت نظامی این است؛ اما حمله‌ی فرهنگی بعکس است؛ اگر دشمن بتواند حمله‌ی فرهنگی را انجام بدهد، [انسان را] بی‌حال میکند، از تصمیم می‌اندازد، اراده‌ها را تضعیف میکند، جوانهای کشور را از کشور میگیرد؛ نیروهای به‌دردبخور را بی‌خاصیت میکند؛
۲۵ مرداد ۱۳۷۷ بیانات در دیدار جمعی از آزادگان	یک کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرتهای ظالم عالم زندگی کند، به ایستادگی احتیاج دارد. در مواقع حسّاس برای یک ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام میدهند؟ بهترین و فداکارترین و پاک‌ترین و بااخلاص‌ترین فرزندان یک ملت. اینها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری میکنند و ایستادگی نشان میدهند و از آبروی کشور و از استقلال و هویت ملی خودشان دفاع میکنند.
۲۵ مرداد ۱۳۳۸ بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسؤولان امور فرهنگی بنیاد شهید و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان	شهید، یعنی انسانی که در راه آرمانهای معنوی کشته میشود و جان خود را - که سرمایه‌ی اصلی هر انسانی است - برای هدف و مقصدی الهی صرف میکند و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور و یاد و فکر او را در مکتبش تداوم میبخشد و آرمان او زنده میماند. این، خاصیت کشته شدن در راه خداست. کسانی که در راه خدا کشته میشوند، زنده‌اند. جسم آنها زنده نیست؛ اما وجود حقیقی آنها زنده است.

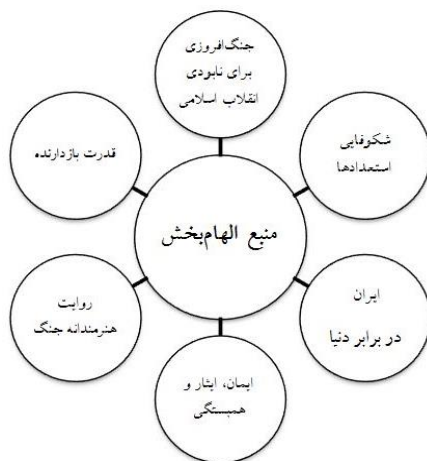
ایران در برابر دنیا

دال و عنصر شناور مهم دیگری که در نظام گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای تبدیل به وقته می‌شود، عنصر «جنگ بین دو کشور» است. مقام معظم رهبری این دال شناور را در وقته «ایران در برابر دنیا» تثبیت معنا می‌کنند. در بیانات رهبری درمورد دفاع مقدس، بر این مطلب بسیار تأکید شده است که همه دنیا در مقابل ایران متحد شده بودند تا شاهد شکست و فروپاشی ایران باشند. از آمریکا و ناتو و شوروی تا مرتجعین منطقه نظیر سعودی و کویت. علاوه بر کمک‌های مالی و تسلیحاتی که همه دنیا به سوی صدام روانه داشتند، مراکز دیپلماتیک نیز او را یاری کردند؛ سازمان ملل هیچ عکس‌العملی در مقابل تجاوز عراق به خاک ایران نشان نداد و حتی شورای امنیت نیز پس از اینکه کیلومترها اشغال‌گری و تجاوز صورت گرفته بود به حرف آمد و طرفین جنگ را به صلح و آتش‌بس فراخواند بدون اینکه اشغال‌گری عراق را تقبیح کرده باشد. سخنرانی‌هایی که به این دال ارجاع دارند، به شرح زیر است:

منبع	خلاصه متن
۶ مهر ۱۳۷۹ دیدار با مدیران و فعالان دفاع مقدس	د شمنی به ما حمله کرده بود و میخواست بخشی از خاک ما را بگیرد؛ همه دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی اش به خاک مالیده شد و برگشت.
۳ خرداد ۱۳۹۶ بیانات در شب خاطره دفاع مقدس	هشت سال همه‌ی دنیا متفق شدند علیه ما و با ما جنگیدند؛ این یک واقعیتی است، همه‌ی دنیا! یعنی آمریکا علیه ما بود در عمل، ناتو علیه ما بود در عمل، شوروی آن روز علیه ما بود در عمل، مرتجعین منطقه - همین سعودی و کویت و بقیه - همه علیه ما بودند در عمل!
۲۹ مهر ۱۳۷۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف	با این که فقط یک کشور همسایه نبود که به ما حمله می کرد؛ بلکه پشت سر آن آمریکا بود، شوروی آن روز بود، دیگر قدرتهای مسلح عالم بودند؛
۵ مهر ۱۳۷۰ بیانات در خطبه های نماز جمعه	نمیشود گفت جنگ را فقط عراق به وجود آورد. همه‌ی قرائین از اول کار نشان میداد که استکبار پشت سر عراق است؛ او را کمک نظامی کردند؛ از لحاظ تبلیغاتی به او کمک کردند و شورای امنیت را در خدمت متجاوز قرار دادند... بنابراین، جنگ را رژیم عراق به تنهایی به وجود نیاورد - رژیم عراق یک عامل بود - جنگ را همه‌ی دنیای استکباری و من تبع او به وجود آوردند؛ این امروز چیز روشنی است و احتیاج به بحث زیادی ندارد.
۱۹ دی ۱۳۹۲ دیدار مردم قم با رهبر انقلاب	... در هشت سال دفاع مقدس است که همه‌ی قدرت های جهانی و شرق و غرب آن روز، به صدام مجرم کمک کردند تا بر ضد ملت و کشور ایران اقدام کند، اما به واسطه‌ی عزم و ایمان را سخ و تصمیم قاطع ملت برای به صحنه آوردن توانایی های داخلی، نصرت الهی محقق شد

دال مرکزی: جنگ منبع الهام بخش

پس از بررسی بیانات آیت الله خامنه‌ای درباره دفاع مقدس اینطور به نظر می‌رسد دال مرکزی نظام گفتمانی ایشان در موضوع دفاع مقدس، جنگ به مثاله منبع الهام بخش است.



شکل ۲. مفصل بندی گفتمان حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

در گفتمان رهبر معظم انقلاب، جنگ یک بستر مناسب ایجاد کرد تا مردم بتوانند استعدادهای بالقوه مادی و معنوی و علمی خود را به فعلیت برسانند و با استفاده از آن ظرفیت‌ها از دستیابی دشمن به هدفش مبنی بر نابود کردن ایران اسلامی و تحقیر ملت ایران جلوگیری کنند. یکی از راه‌های اصلی تقویت و گسترش روحیه مقاومت، ایثار و اتحاد، روایت کردن زیبایی‌ها و حماسه‌های دفاع مقدس است؛ حماسه‌هایی که مردم و رزمندگان ایران در مقابل عراق که توسط همه دنیا حمایت مالی، تسلیحاتی و دیپلماتیک می‌شد خلق کردند و نشان دادند که قدرت و اقتدار حفظ حریم و ارزش‌های خود را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری:

تحلیل بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب درباره دفاع مقدس نشان می‌دهد، اگرچه دال‌های پیرامونی مشترکی مانند «شکوفایی استعدادها»، «رشد معنوی»، «ایستادگی در برابر استکبار و دشمنان» وجود دارد، اما جنگ در نگاه امام خمینی (ره) در بستر معنویت سیاسی تعریف می‌شود. در این گفتمان همه اقدامات، رخدادها، پدیده‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و بحران‌های نظام اسلامی، در بستر تقرب و نزدیکی به خدا معنا می‌یابد؛ و جنگ نیز در چنین بستری معنا می‌شود. تجاوز عراق به خاک ایران، رویارویی جبهه حق و باطل است. در این جبهه، صلح، خائنانه است، ایستادگی در برابر استکبار، امر الهی است و شهادت در این مسیر، سعادت ابدی است. در این گفتمان، جنگ لطف خفیه الهی است که زمینه‌ساز پیشرفت مادی و معنوی جامعه است. اما در گفتمان رهبر معظم انقلاب، به دلیل اینکه با تغییر نسل مواجهیم و بدنه اصلی جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که پس از جنگ متولد شده‌اند، یک نگاه الهام‌بخش به دفاع مقدس وجود دارد. در نظر رهبر معظم انقلاب، جنگ ۸ ساله، هم‌چون منبع و ذخیره‌ای برای جامعه ایران است که باید با رجوع به آن مسائل زمان حال را تحلیل و تبیین کنند و نهایتاً منبعث از تجربه جنگ، تصمیم بگیرند و اقدام نمایند. در این گفتمان، دفاع مقدس یادآور ضرورت مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان، خلق فرصت از دل بحران (پیشرفت مادی و معنوی جامعه ایران بواسطه جنگ، محدودیت‌ها و تحریم‌ها) و عدم تغییر ماهیت دشمنان و اصرار آنان به دشمن‌ورزی است. در این گفتمان، روایت زیبایی‌ها و حفظ و بهره‌گیری از سرمایه معنوی جنگ در قالب‌های هنری نقش ویژه‌ای در الهام‌بخش بودن این منبع غنی تاریخی دارد. مقایسه نظام گفتمانی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای در چند دال پیرامونی مشترک هستند اما مفصل‌بندی متفاوتی دارند. دال‌های «رویارویی حق و باطل»، «پیشرفت مادی و معنوی بواسطه جنگ» و «پرهیز از صلح خائنانه» در گفتمان امام خمینی (ره) به ترتیب متناظر با دال‌های «جنگ‌افروزی برای نابودی انقلاب اسلامی» و «ایران در برابر دنیا»، «شکوفایی استعدادها» و «مقاومت و قدرت بازدارنده» در گفتمان رهبر معظم انقلاب است. در هر دو گفتمان، علت جنگ فراتر از درگیری دو کشور بر سر مسائل مرزی است؛ بلکه هدف

نابودی نظام اسلامی است. امام خمینی (ره) این جنگ را در یک زمینه الاهیاتی و قرآنی تفسیر می‌کند و رهبر معظم انقلاب از منظر بین‌المللی و سیاسی، این جنگ را جنگ کشورهای متعدد علیه ایران می‌داند. در هر دو گفتمان، جنگ واسطه و فرصتی برای پیشرفت مادی و معنوی، تفسیر شده است اما مفصل‌بندی متفاوتی دارند؛ در گفتمان امام (ره) بواسطه دال مرکزی «معنویت سیاسی»، هنگامی که ملتی در مقابل کفار مقاومت کند و با آن‌ها مبارزه می‌کند، خداوند تعال الطاف خود را بر آن ملت نازل می‌کند؛ و این پیشرفت مادی و معنوی در این زمینه معنایی، تفسیر می‌شود. در مقابل در گفتمان مقام معظم رهبری، بواسطه دال مرکزی «منبع الهام‌بخش»، پیشرفت مادی و معنوی در بستر «تبدیل تهدید به فرصت» با استناد به تجربه تاریخی ملت ایران معنا می‌یابد. به عبارت ساده‌تر در گفتمان مقام معظم رهبری، ایران امروز برای پیشرفت چه در سطح مادی و چه معنوی باید با عنایت به تجربه ۸ سال جنگ تحمیلی، نه تنها تسلیم محدودیت‌ها و تحریم‌های تحمیل شده نشود بلکه به این واسطه با پیشرفت‌های مادی (اعم از علمی، تکنولوژیکی و...) و معنوی، کشور را از وابستگی برهاند. در هردو گفتمان بر مقاومت و ایستادگی تأکید می‌شود؛ در گفتمان امام خمینی (ره) - باتوجه به اینکه در دل جنگ قرار دارند- هرگونه صلح خائنانه خوانده می‌شود؛ چرا که از نظر امام (ره)، در جنگ تحمیلی، صدام، ارتش و هم‌پیمانانش همان کفار هستند و امکان صلح با کفار وجود ندارد اما در گفتمان رهبری، بر مقاومت و ایجاد یک قدرت بازدارنده برای جلوگیری از تضییع حقوق ملت ایران توسط دشمنان، تأکید می‌شود؛ قدرت بازدارنده‌ای که مانع از هرگونه تهاجم نظامی، اقتصادی و فرهنگی گردد.

نگاه امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا در جنگ تحمیلی، به موضوع «شهادت» در بستر «جهاد به معنای نظامی آن» و در چارچوب معنایی قرآنی تجلی می‌یابد. اما در نظام گفتمانی مقام معظم رهبری - به عنوان رهبر پساجنگ -، جنگ فراتر از رویارویی نظامی است و به همین دلیل بر دال و عناصر کلان‌تر مانند ایمان و ایثار تأکید می‌گردد. به همین دلیل است که یکی از دال‌های اصلی گفتمان مقام معظم رهبری، ضرورت روایت هنرمندانه از جنگ است تا برای توده مردم و بخصوص نسل جدید یادآوری شود که عوامل اصلی پیروزی ایران در جنگ ۸ ساله چه بود.

در مجموع باید گفت در شرایطی که «گفتمان تحریف ر سانه‌های فار سی زبان خارجی» که مفاهیم دفاع، ایثار، وطن دوستی، شجاعت، معنویت، عشق به خدا ائمه و امام خمینی(ره)، شهادت، ایمان و اعتقاد، استعداد و توانمندی در نبرد، وحدت و همدلی و غیره را به حوزه گفتمان‌گونگی انتقال داده است و در مقابل، دال جنگ (به جای دفاع) دال قربانی یا تلفات (به جای شهید و جانباز)، دال جنگ طلب (به جای اشاره به شروع کننده جنگ)، دال تقلیل جنگ به تهاجم یک کشور (بدون اشاره به حمایت‌های جهانی از صدام)، دال فریب جوانان (به جای روحیه ایثار و شهادت طلبی) را در نظام گفتمانی خود مفصل بندی کرده است، در نزاع با این گفتمان باید گفتمان معنویت سیاسی امام خمینی(ره) و گفتمان منبع الهام بخش رهبر معظم انقلاب مورد توجه ر سانه‌ها قرار گیرد و دال‌های تثبیت شده گفتمان تحریف، ساخت شکنی شود.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی؛ حسین دانش مهر، رشید احمدش (۱۳۹۲). «توسعه و تناقضات پارادایمی جدید» (جلد اول)، تهران: انتشارات کیهان.
- امامی، امیرضا، زارع، فاطمه (۱۳۹۹). «معنویت سیاسی و هویت نظام جمهوری اسلامی ایران»، مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی، تهران: سازمان بین المللی مطالعات دانشگاهی. بازیابی شده در <https://civilica.com/doc/1246950>.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰). «تحلیل انتقادی گفتمان»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا و رمضان نژاد، جواد (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان تلویزیون بی بی سی فارسی درباره جنگ عراق با ایران»، فصلنامه رسانه، شماره ۱: ۲۰-۵.
- تاجیک، محمدرضا و محمد روزخوش (۱۳۸۷). «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۱: ۱۲۷-۸۳.
- التیامی نیا، رضا (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمانی و جامعه شناختی دفاع مقدس و تأثیر آن در تقویت همبستگی، وحدت و قدرت ملی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱: ۳۵-۹.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۴). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸: ۲۱۲-۱۸۱.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۶). «اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی»، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- ذوالفقاری کیان، مهلا و لیلا ثمنی (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی در شاخص‌های زن منتظر»، دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده، شماره ۲: ۱۷۲-۱۳۳.
- رضائی پناه، امیررضا و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان سیاسی»، تهران: انتشارات تیسرا.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷). «قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: نشر نی.
- سلطانی، سیدعلی اصغر و امیرعلی تفرشی (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه من و تو». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، شماره ۳: ۱۶۴-۱۲۵.
- صباحی، مجتبی، محمدی، داود و احسان جعفری‌فر (۱۴۰۱). «بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، شماره ۱: ۱۹۱-۱۶۷.

غفاری قدیر، جلال و بهروز یآوری (۱۳۹۶). «بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی‌بی‌سی فارسی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، شماره ۱: ۱۶۴-۱۳۳.

فرامرزیانی، سعید. پروانه فرامرزیانی و بهنام رضا قلی‌زاده (۱۳۹۶). «گفتمان‌شناسی رسانه‌های خبری»، انتشارات سیمای شرق.

فلیک، اووه (۱۳۹۲). «درآمدی بر تحقیق کیفی». ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

کامکار، مهدی، بلندیان، غلامحسین و تقی بختیاری (۱۳۹۵). «گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در امور مهاجرین و اتباع خارجی»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۶: ۷۵-۴۷.

کسرائی، محمدسالار (۱۳۸۹)، *نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه*، ابزاری کارآمد در فهم پدیده‌های سیاسی، نامه سیاست؛ شماره ۳: ۳۶۰-۳۳۹.

کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). «گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). «روش تحقیق کیفی؛ ضد روش ۲»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). *نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه*، تحلیل و نقد آن، *مجله‌ی معرفت فرهنگی - اجتماعی*، شماره ۲: ۱۲۴-۹۱.

نش، کیت (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی سیاسی معاصر»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

نوذری، حمزه (۱۳۹۴). «گفتمانی دیگر از توسعه در ایران»، تهران: دانشگاه خوارزمی.

هال، استوارت (۱۳۸۶). «غرب و بقیه: گفتمان و قدرت»، ترجمه محمود متحد، تهران: آگه.

هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی، شماره ۲: ۱۸۳-۱۵۶.

یورگنسن، ماریان. فیلیپس، لونی (۱۳۹۶). «نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- Carrette, Jeremy R. (2000). **Foucault and religion: spiritual corporality and political spirituality**, London and New York: Routledge.
- Fairclough, n. (1995). **critical discourse analysis**. London: longma.
- Fairclough, n. 1992. **Discourse and social change**. London: polity pres.
- Fasold, ralph. 1990, **the sociolinguistics of language**, Cambridge.
- Jorgensen, m. and Philips, l. (2002). **Discourse analysis as theory and method**. London: sage.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). **Hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics**. Lonaon: Verso.